

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

گزارش هماهنگی هسته های کمونیست (CNC)

باسک و اسپانیا

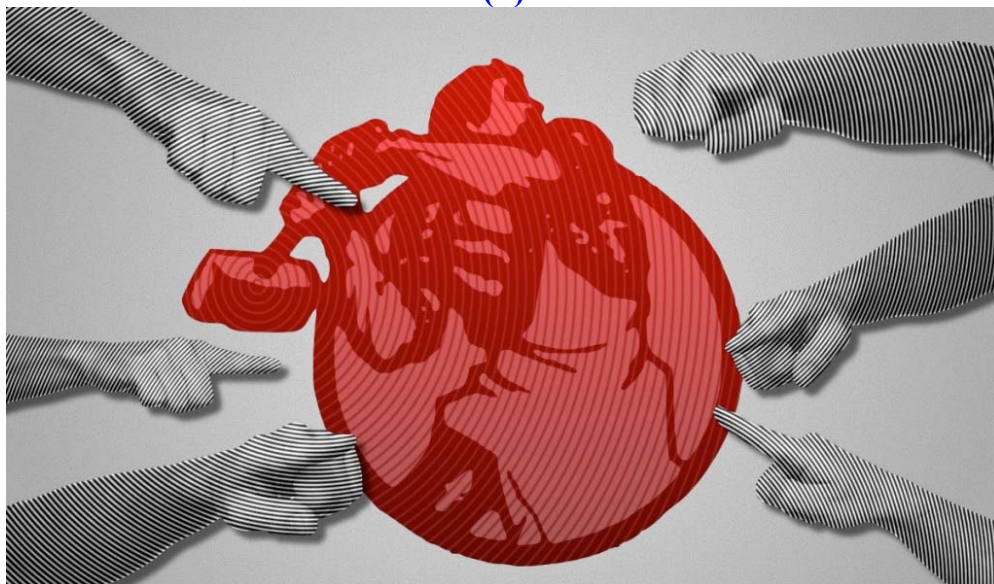
برگردان: جنوب جهانی

فرستنده: علی مشرف

۲۲ مارچ ۲۰۲۵

## نظم جهانی سرمایه‌داری در حال فروپاشی است

(۱)



نظم جهانی طراحی شده در پایان جنگ جهانی دوم در اروپا در حال فروپاشی است. یا سوسیالیسم یا بربریت بحران تشدید می‌شود و خلاف دفعات قبلی که کانون آن در کشورهای پیرامونی قرار داشت، اکنون به طور اخص اقتصادهای مرکزی امپریالیسم، یعنی ایالات متحده، بریتانیا، آلمان و فرانسه را درگیر خود کرده است؛ و زودتر از آن چه تصور می‌شود، بقیه اقتصادهای اتحادیه اروپا را نیز تکان خواهد داد. این بدان معنا نیست که ما با یک بحران کلی نظام سرمایه‌داری روبه رو نیستیم یا این که کشورهای دیگری مانند چین، هند یا روسیه به دلیل این که قدرت‌های سرمایه‌داری نیستند، کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، بلکه همانطور که J. M. Olarieta در مقاله خود درباره توسعه نابرابر سرمایه‌داری در بحران نشان می‌دهد، عمیق‌تر شدن بحران در برخی کشورها، فرصت‌هایی را برای دیگران ایجاد می‌کند.

آنچه که جای هیچ شکی باقی نمی‌گذارد، این است که تشدید بحران، صف‌بندی‌ها را منظم می‌کند. رقبای اقتصادی قدرت‌های مرکزی که شاهد فروپاشی اقتصادهای خود هستند، به دشمنان نظامی تبدیل می‌شوند که باید به هر قیمتی نابود شوند. غرورهای حاکمیتی اتحادیه اروپا که با برگزیت ضربه سختی خوردند، سرنوشت تسلیم شدن به ایالات متحده را پذیرفته‌اند که از زمان طرح مارشال و ناتو بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم برای آن‌ها تعیین شده بود؛ و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به جای این که فرصت طلائی برای اروپا به‌عنوان یک قدرت سرمایه‌داری "مستقل" باشد، تسلیم شدن آن به امپریالیسم انگلوساکسون را تسریع کرد.

### **"گراند ریست" یا انفجار کنترل‌شده اقتصادهای مرکزی امپریالیسم**

فروپاشی اقتصادهای اروپایی تنها ناشی از بحران نیست. واقعیت‌هایی وجود دارد که باید به هم مرتبط شوند و نشان می‌دهند که ما شاهد یک انفجار کنترل‌شده بخش عمده‌ای از ظرفیت تولید کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستیم. نماد بارز این موضوع، خود تخریبی خط لوله نورد استریم ۲ در سپتامبر ۲۰۲۲ بود. صرف نظر از عامل اصلی این انفجار، نمی‌توان انکار کرد که دستور آن از دل اتاق‌های تاریک امپریالیسم ناتو صادر شده است.

هدف آشکار این بود که روابط کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به‌ویژه آلمان، با روسیه را به طور کامل و بی‌رحمانه قطع کنند. این اقدام در پیچیدگی‌های تبلیغات جنگ علیه روسیه پنهان شد و باعث شد نه دولت‌های اتحادیه اروپا، نه افکار عمومی و حتی نه بورژوازی صنعتی که مستقیماً تحت تأثیر قرار گرفته بود، صدای اعتراضی بلند نکنند. این امر به‌طور واضح نشان‌دهنده میزان فساد نخبگان اروپایی است که مانند بورژوازی‌های استعماری، بدون دفاع حتی اندک از منافع کشورهای خود، در برابر امپریالیسم زانو می‌زنند.

این یک رویداد منزوی شده نبود. قبل و بعد از انفجار خط لوله، اتحادیه اروپا به درخواست ایالات متحده، مجموعه بی‌انتهایی از تحریم‌ها علیه روسیه و همچنین چین وضع کرده است که هر دو کشور با موفقیت از آن‌ها عبور کرده‌اند، در حالی که این تحریم‌ها مانند یک بومرنگ به اقتصادهای اروپایی برخورد کرده‌اند. این تصمیمات سیاسی منجر به افزایش شدید قیمت انرژی شده است که اکنون با قیمت بالاتر از روسیه خریداری می‌شود یا با قیمتی ۴۰ درصد بیشتر برای گاز شیل با کیفیت پایین‌تر از ایالات متحده پرداخت می‌شود. به این‌ها باید مواردی مانند افزایش نرخ بهره برای "مقابله با تورم" که توسط بانک مرکزی اروپا و فدرال رزرو ایجاد شده است، تحمیل‌گذار سبز و "انرژی‌های تجدیدپذیر" که با بودجه‌های اتحادیه اروپا و سیاست کشاورزی مشترک تأمین می‌شود و به عنوان ابزاری علیه مزارع کوچک و دامداری‌ها استفاده می‌شود، اضافه کرد. تمام این‌ها یک ترکیب جهانی را تشکیل می‌دهند که سقوط آزاد اقتصادهای اتحادیه اروپا، نابودی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و اخراج‌های گسترده را برای تمرکز و متمرکزسازی سرمایه در صندوق‌های سرمایه‌گذاری بزرگ که عمدتاً توسط امپریالیسم صهیونیستی هدایت می‌شوند، تسریع می‌کند.

### **افزایش هزینه‌های نظامی و فقر رو به رشد**

این سناریوی تخریب تولید و اخراج‌های گسترده، همراه با افزایش چشمگیر هزینه‌های نظامی است. بودجه‌های مختلف دولتی که برای تأمین مالی خدمات "عمومی" در نظر گرفته شده‌اند، به میزان فزاینده‌ای به شرکت‌های خصوصی می‌رسد که در اصطلاح به آن همکاری بخش عمومی و خصوصی می‌گویند، اما در واقع پول عمومی است که سود بخش خصوصی را تأمین می‌کند.

## یارانه‌های ناچیز و سرکوب پیشگیرانه: پاسخ به نارضایتی اجتماعی

نتیجه مستقیم تخریب تولید، سقوط سریع شرایط زندگی است. در سال ۲۰۲۳، در اسپانیا، بیش از یک چهارم جمعیت، ۱۲.۷ میلیون نفر، در شرایط فقر و محرومیت اجتماعی زندگی می‌کردند (کمتر از ۷۳۹ یورو در ماه برای هر نفر)؛ که نسبت به سال ۲۰۲۲، ۲۴۰ هزار نفر افزایش یافته است. در همان سال ۲۰۲۳، ۴.۳ میلیون نفر در شرایط فقر شدید (کمتر از ۲۸۰ یورو در ماه برای هر نفر) زندگی می‌کردند، یعنی ۸۶۰ هزار نفر بیشتر از سال ۲۰۲۲. این داده‌های سرد، اضطراب و ناامیدی میلیون‌ها کارگر را پنهان می‌کند که همراه با از دست دادن شغل یا با دستمزدهای ناچیز، قادر به تأمین هزینه‌های ضروری مانند غذا، گرمایش، برق، لوازم مدرسه و بسیاری دیگر نیستند و حتی از خانه‌های خود اخراج می‌شوند. همانطور که آمار نشان می‌دهد، کمک‌های اجتماعی یا حمایت‌های تأمین اجتماعی، در مقابل سیل فقر تولید شده توسط سیستم، یک وصله کوچک است. بی‌ثباتی که به ویژه جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مستمری‌های ناچیز، در افزایش مداوم خودکشی در این گروه‌های سنی منعکس می‌شود. خودکشی‌های ثبت شده در سال ۲۰۲۳، ۴۱۱۶ مورد است که این رقم، همانطور که مشخص است، بسیار کمتر از واقعیت است.

به همه این‌ها باید تخریب آنچه از خدمات اجتماعی عمومی باقی مانده است را اضافه کرد. وضعیت اسفناک خدمات بهداشتی عمومی با لیست‌های انتظار طولانی که با حداقل استانداردهای کیفیت مراقبت‌های بهداشتی ناسازگار است و زمینه‌ای مناسب برای شرکت‌های بیمه خصوصی و صنعت داروسازی فراهم می‌کند، بسیار چشمگیر است. این وضعیت که با اطمینان می‌توان گفت بدتر خواهد شد، یک وضعیت انفجاری اجتماعی است که می‌تواند در هر لحظه شعله‌ور شود. این امر افزایش بی‌رویه نیروهای سرکوبگر - همانطور که بعداً خواهیم دید - و تمام مکانیزم‌های دستکاری اطلاعات، سرکوب فرهنگی و کنترل اجتماعی را توضیح می‌دهد. شکی نیست که بورژوازی اولویت اصلی خود را جلوگیری از ایجاد فرآیندهای انقلابی توسط چنین حملات وحشیانه‌ای علیه طبقه کارگر می‌داند.

## راکت به جای تراکتور: "نظم جدید"

بیمان نظامی ناتو، تضادهای بین‌امپریالیستی با بقیه اتحادیه اروپا را به نفع ایالات متحده حل کرده است. غرق شدن قدرت‌های صنعتی بزرگ، المان و فرانسه، که به ناچار بقیه اتحادیه اروپا را نیز با خود خواهد برد، همراه با افزایش شرکت‌های تسلیحاتی برای تغذیه یک جنگ بزرگ - ابتداء علیه روسیه و سپس علیه چین - در خاک اروپا، با ارتش‌های اروپائی و در خدمت منافع الیگارشی امپریالیستی عمدتاً صهیونیستی و انگلوساکسون است.

غرق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای اتحادیه اروپا و قطع تقریباً کامل اقتصادی و تجاری با روسیه، شریک طبیعی خود، یک هاراکیری القائی توسط ایالات متحده بوده است که نخبگان سیاسی با دقت آن را اجراء کرده‌اند تا به اهداف امپریالیستی انگلوساکسون پس از جنگ جهانی دوم که منجر به ایجاد ناتو شد، عمل کنند. با از بین رفتن اتحاد جماهیر شوروی، اتحادیه اروپا به‌عنوان یک رقیب حذف شده، از نظر اقتصادی فرو ریخته و از نظر نظامی تسلیم شده است، می‌تواند سناریوی جدیدی را برای دولت جدید ایالات متحده ایجاد کند که بیشتر به گسترش قلمرو امریکائی خود علاقه‌مند است. در این سناریوی جدید، علاقه ایالات متحده به ناتو به حاشیه رانده می‌شود، به‌ویژه پس از شکست قاطع اطلس‌گرایان در اوکراین در برابر روسیه. به این ترتیب، واشنگتن تا حد زیادی از تأمین مالی و مدیریت این اتحاد دست خواهد کشید تا نقش اصلی را به دولت‌های گرسنه و جنگ‌طلب اروپائی واگذار کند.

واقعیت دیگری که افول ناگزیر اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد، اخراج شرم‌آور فرانسه از مستعمرات سابق خود است. کودتاهای نظامی با حمایت گسترده مردمی، نمایندگی‌های دیپلماتیک و نظامی فرانسه را از مالی، بورکینافاسو و نیجر

اخراج کرده‌اند و چاد، سنگال و جمهوری افریقای مرکزی نیز به آن‌ها خواهند پیوست. این امر نه تنها غارت منابع طبیعی آن‌ها را نشان می‌دهد، بلکه ابزارسازی جنایتکارانه این قدرت‌ها از تروریسم اسلامی را نیز آشکار می‌کند که به‌ویژه پس از سقوط لیبیا برای توجیه حضور خود از آن استفاده می‌کردند، در حالی که در پشت پرده به آن دامن می‌زدند. علاوه بر این، برخی از این کشورها سازمان ملل متحد و آژانس‌های آن مانند سازمان بهداشت جهانی را متهم کرده‌اند که در تبانی با شرکت‌های داروئی چندملیتی علیه سلامت مردمشان عمل می‌کنند، همانطور که در مورد کووید-۱۹ اتفاق افتاد.

### **گریز به جلو: تقویت صنعت تسلیحات به عنوان تنها گزینه صنعتی کمیسیون اروپا**

کمیسیون اروپا و دولت اسپانیا، تولید کالاهای مفید برای جامعه را متوقف کرده و به تولید انبوه سلاح‌هایی که به طور مشخص برای یک جنگ آینده طراحی شده‌اند، روی آورده‌اند. تقویت صنعت تسلیحات به عنوان تنها گزینه صنعتی باقی‌مانده است.

اصطلاح "اقتصاد جنگی" به طور فزاینده‌ای در گفتارهای سیاسی کمیسیون اروپا و دولت‌ها، از جمله دولت-PSOE Sumar، استفاده می‌شود. اما دقیقاً منظور از این اصطلاح چیست؟ آیا فقط به صنعت تسلیحات اشاره دارد؟ چه عوامل دیگری را شامل می‌شود؟

مفهوم "اقتصاد جنگی" به تغییراتی اشاره دارد که در ساختار بودجه یک دولت در مواجهه با یک جنگ بزرگ رخ می‌دهد. به این ترتیب، منابعی که قبلاً برای خدمات دیگر، به‌ویژه خدمات اجتماعی اختصاص داده می‌شد، به بودجه نظامی اختصاص می‌یابد. افزایش منابع اختصاص‌یافته به تسلیحات به معنای کمبود کالاهای اساسی است که باید وارد شود، کاهش خدمات عمومی، افزایش مالیات‌های غیرمستقیم و احتمال محدود کردن حقوق و آزادی‌های کارگران با توجه به ماهیت نظامی تولید است.

البته دولت این موضوع را به این شکل توضیح نمی‌دهد. این اصطلاح را بدون تعریف دقیق آن تکرار می‌کند تا به تدریج در ذهن ما جای گیرد و افزایش هزینه‌های نظامی برای دفاع در برابر "دشمن روسی" و به‌عنوان "راه حل" برای جبران فروپاشی اقتصاد پذیرفته شود. راکت به جای تراکتور "نظم جدید" خواهد بود.

مارگاریتا رابلس، وزیر دفاع، با تمام ریاکاری از "صنعت‌زدائی مجدد اسپانیا" با ساخت کارخانه‌های اسلحه‌سازی در مناطقی که با تخریب برنامه‌ریزی شده صنعت، کشاورزی و دامداری ویران شده‌اند، صحبت می‌کند؛ فرآیندی که با ورود به جامعه اقتصادی اروپا – که به طعنه "تبدیل صنعتی مجدد" نامیده می‌شود – آغاز شد و با تعطیلی اقتصاد در زمان همه‌گیری به پایان رسید.

افزایش تدریجی هزینه‌های نظامی پدیده جدیدی نیست. اما افزایش چشمگیر اخیر آن بی‌سابقه است. نمودار زیر این موضوع را به وضوح نشان می‌دهد. از زمان روی کار آمدن پدرو سانچز در جون ۲۰۱۸، هزینه‌های دفاعی ۶۲.۴ درصد افزایش یافته است.

ادامه دارد

[۱۷ جنوری ۲۰۲۵](#)